**اهل بیت (ع) کلمه طیبه**

پدید آورنده : عباس استاد آقایی ، صفحه 26

|  |
| --- |
| جبرئیل عرض کرد: «بله یا رسول الله! این نوجوان معلم من است. در ابتدای خلقت هنگامی که خداوند مرا خلق کرد، با من تکلم نموده و فرمود: تو کیستی و من کیستم؟ من از پاسخ این سؤال باز ماندم. در این هنگام این نوجوان حاضر شد و به من آموخت که بگو:  خداوند در قرآن کریم در مورد کلمه طیبه و شجره طیبه اهل بیت(ع) می فرماید:  ألم تر کیف ربّ ها ضرب الله مثلاً کلمة طیبة کشجرةٍ طیبّةٍ أصلها ثابتٌ و فرعها فی السّماء تؤتی اُکلها حین بإذن ربّها و یضرب الله الأمثال للنّاس لعلّهم یتذکّرون.1  ای رسول ما! ندانستی (تو که می دانی) که چگونه خدا کلمة پاکیزه (و روح پاک) را به درخت زیبایی مثل زده که اصل ساقة آن برقرار باشد و شاخة آن به آسمان (رفعت و سعادت) بر شود و آن درخت زیبا به اذن خدا همة اوقات میوه های مأکول و خوش دهد. خدای این گونه مثل های واضح برای تذکر مردم می آورد.  امام صادق(ع) در تفسیر این آیه از رسول خدا(ص) نقل می فرماید که فرمود:  من ریشة این درخت هستم و امیرالمؤمنین علی(ع) نیز تنة آن می باشد، و امامان از ذریه آن حضرت شاخه های آن درخت هستند. علم ائمه میوة این درخت است و پیروان با ایمان آن ها برگ های این درختند.  سپس امام صادق(ع) فرمودند: «آیا چیز دیگری باقی می ماند؟» راوی گفت: نه، به خدا سوگند که همه را کمال و تمام فرمودید.  امام فرمودند: «به خدا قسم هنگامی که فرد مؤمن متولد می شود برگی در آن درخت ظاهر می گردد و هنگامی که مؤمن راستین می میرد، برگی از آن درخت می افتد.2  آن حضرت در جای دیگر دربارة «تأتی اُکلها کلّ حینٍ بإذن ربّها» می فرماید:  منظور از این آیه، علم و دانش امامان معصوم است که در هر سال از هر منطقه به شما می رسد.  بگذار برِ شاخة این صبح دلاویز  بنشینم و از عشق سرودی بسرایم  آن گاه به صد شوق چو مرغان سبک بال  پرگیرم از این بام و به سوی تو بیایم  اهل بیت(ع) مخزن علم الهی  ابن عباس می گوید: وقتی این آیه نازل شد:  و کُلّ شیءٍ أحصیناه فی إمامٍ مبینٍ.3  و در لوح محفوظ خدا (یا قلب امام خلیفة الله) آشکار همه را به شمار آورده ایم.  ابوبکر و عمر بلند شده، گفتند: یا رسول الله! منظور از این آیه چیست؟ آیا تورات است؟ پیامبر اسلام(ص) فرمود: نه. پس پرسیدند: آیا منظور انجیل است؟ پیامبر(ص) فرمودند: نه. دوباره سؤال کردند آیا منظور قرآن است؟ پیامبر(ص) علی(ع) را نزد خود خواند و فرمود:  این امیرالمؤمنین علی(ع) است که خداوند علم تمام موجودات و اشیا را در وجودش قرار داده است.4  پس فرمود:  سعادتمند کسی است که علی(ع) را دوست بدارد چه در حیات او و چه در وفاتش. به درستی که شقی ترین فرد کسی است که با این علی(ع) بغض و کینه داشته باشد، چه در حیات او و چه در وفاتش.5  جرج جرداق عالم مسیحی در کتاب خود که پیرامون علی(ع) نوشته، می گوید:  «ای کاش علی بن ابی طالب در زمان ما زندگی می کرد تا ما آن چه را که در آسمان ها و زمین می گذرد، از او سؤال می نمودیم و ایشان ما را از عالم بالا و پرده های نور و حجاب، غیب، شگفتی های عالم ملکوت و دنیای بی نظیر جبروت مطلع می ساخت.  روزی سلمان، به امر حضرت علی(ع) از امام حسین سؤال کرد که سنّ پدر بزرگوار شما چقدر است؟ ایشان فرمود: «حق تعالی پنجاه هزار عالم و پنجاه هزار آدم خلق کرد و بین آفرینش هر عالم تا عالم دیگر پنجاه هزار فاصله قرار داد. خدا پدر مرا پنجاه هزار سال پیش از اولین عالم و آدم خلق نمود.»  روزی جبرئیل خدمت رسول خدا(ص) نشسته بود.6 علی(ع) در حالی که نوجوانی بیش نبود، وارد شد. جبرئیل به احترام آن حضرت از جا برخاست. پیامبر اکرم(ص) فرمود: «ای جبرئیل! آیا تو به این نوجوان تعظیم می کنی؟»  جبرئیل عرض کرد: «بله یا رسول الله! این نوجوان معلم من است. در ابتدای خلقت هنگامی که خداوند مرا خلق کرد، با من تکلم نموده و فرمود: تو کیستی و من کیستم؟ من از پاسخ این سؤال باز ماندم. در این هنگام این نوجوان حاضر شد و به من آموخت که بگو:  «تو پروردگار با عظمتی و اسمت زیباست و من بندة ذلیل ام و اسمم جبرئیل است» و من از پاسخ این سؤال رهایی یافتم.»  سپس پیامبر(ص) پرسید: «ای جبرئیل! چقدر از عمر تو می گذرد؟ جبرئیل عرض کرد: در ساق عرش ستاره ای است که هر سی هزار سال یک بار طلوع می کند و من  تا کنون سی هزار بار آن را دیده ام.»  پیامبر(ص) فرمود: «ای جبرئیل! اگر آن کوکب را بینی، می شناسی؟» جبرئیل عرض کرد: بله. پیامبر(ص) علی(ع) را فراخواند و عمامه آن حضرت را از جبین مبارکش بلند کرد. در این هنگام جبرئیل آن کوکب را در پیشانی مبارک آن حضرت مشاهده نمود. جبرئیل سوگند یاد کرد و فرمود: یا رسول الله! این همان ستاره ای است که تا کنون سی هزار بار مشاهده نموده ام.7  ماهنامه موعود شماره 71  **پی نوشت ها:**  1. سورة ابراهیم (14)، آیة 24 و 25.  2. علامه بحرانی، تفسیر البرهان، ج2، ص310.  3. سورة یس (36)، 12.  4. علامه بحرانی، همان، ج4، ص7.  5. همان، ج4، ص7.  6. جبرئیل معمولاً هنگام وارد شدن بر پیامبر(ص) به صورت «دحیه کلبی» ظاهر می شد.  7. القطره، ج1، ص191. |